



www.jamejamdaily.ir

jamejamdaily.ir

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲

نگاهی به سریال‌هایی که در شمال ایران روایت شدند

قصه‌گویی در هزارتوی جنگل

گفت‌وگوی «جام‌جم» با تهیه‌کننده و کارگردان یک مجموعه کودکانه

آشپزخانه‌ای

برای همه بچه‌ها



رسانه

۷

چرا برگزاری سومین هفته فیلم چین در ایران به میزبانی فارابی دستاوردی نداشت؟

جاده یکطرفه

ابریشم



فرهنگ

۱۰

مهرداد رضایی بازی‌سازی که به سلطه بر دنیای حرفه‌ای می‌اندیشد:

همیشه دنبال

ساختار شکنی هستم



فرهنگ

۱۱

زاویه دید

معرفی کتاب برای اقتباس به بهانه برگزاری نمایشگاه کتاب تهران

عزرائیل کهنه‌سرباز؛ روایت امنیتی از یک خائن

که هر شخصیتی منش خود را داشته باشد اما ساختن این منش یا خط مشی در قالب یک جهان مستقل داستانی و بعد بیان آن به زبان ساده، کار بسیار دشواری است.

عزرائیل در میدان کارزار با انتقال حس وظیفه، وجدان و عاطفه مخاطب را گیر می‌اندازد و با سوال‌های متعدد به خوانندن ادامه کهنه سرباز می‌پردازد. جهان‌های موازی در داستان عزرائیل، مخاطب را با سوال‌های مدام مواجه می‌سازد. مخاطب آن‌قدر در این قصه سرد و گرم می‌چشد که وقتی تمام شد در ذهن مخاطب تمام نمی‌شود و منتظر روایت‌های بعدی است. همه چیز البته در یک بی‌رنگ مستقل تمام می‌شود اما ته‌نشین شدن قصه در ذهن مخاطب سبب ایجاد کشش به ماجراهای بدی می‌شود. نویسنده در کتاب خود فقط به خلق قصه مهیج فکر کرده و رسالت داستان خود را تشخیص داده و این باعث می‌شود مخاطب حس نویسنده را بفهمد و با صحنه‌های داستان درگیر و سهیم شود.

از دیگر ویژگی‌های کهنه سرباز، عزرائیل، صراحت بیان است، زیرا از گونه نوشتاری ادبیات نویسندگان بزرگ ماقبل خود بهره برده است. بر همین اساس برای کشش داستانی و همراهی مخاطب، لقمه را نمی‌پچاند و با صراحت و بدون تعارف روایتگری می‌کند. مخاطب این گونه پلیسی-معمایی همیشه از جزئیات لذت می‌برد. جزئیاتی که شاید به طور طبیعی در دسترس و آگاهی همگان نباشد. به هر حال اما داستان جلومی‌رود، خواننده هم سر بزنگاه‌ها خسته نمی‌شود و تا آخر متن با کاراکترهای اصلی داستان همراهی می‌کند. جزئیات نحوه مبادله اعضای بدن انسان میان جیش‌الحر و تاجران اسلحه، جزئیات زدن خانه زعفرانی و موسی خیابانی یا شرح دقیق فعل و انفعالات پیچیده‌ای که در ذهن یک بازجو هنگام بازجویی رخ می‌دهد یا حتی جزئیاتی که در فلاش‌بک‌های فصل «نفسگیر» «سوزن» «سیم چین و انبردست» مطرح می‌شود. همین جزئیاتش برگ برنده است.

نکته دیگر پرداختن به شخصیت‌هایی مثل علی علیزاده است که هنوز برای مخاطب محصور میان انبوه شخصیت‌پردازی‌های پاستوریزه رسانه‌های رسمی، تازگی دارد. هرچند ممکن است سال‌ها بعد با خروج برخی اسامی و روایت‌ها از طبقه‌بندی‌های محرمانه و واقعی‌تر شدن روایت‌ها، شرایط عادی‌تر و برای ارضای کنجکاوی مخاطب نیاز به پیشروی‌های جسورانه بیشتری احساس شود. به هر حال «عزرائیل» با رعایت استانداردهای ژانر آن‌قدری جذاب هست که بی‌نگرانی بشود خواندنش را به مخاطب پیشنهاد کرد.

در پایان باید گفت کتاب کهنه سرباز، عزرائیل با کشش داستانی خود، قابلیت اقتباس برای ساخت سریال‌های پلیسی-امنیتی -معمایی را دارد و از درون آن یک فیلم سینمایی جذاب و دیدنی که به گونه سینمایی هالیوود در داستان‌پردازی و کشش داستانی طعنه می‌زند، تولید و خارج شود. به شرط آن‌که یک فیلمساز درجه یک و متخصص قصه‌گویی و داستان‌های امنیتی، آن را تولید کند.

تاریخ را بخواند و در ذهنش ماندگار باشد. «...در جریان پروسه انقلاب یکسری سازمان‌های امنیتی همچون مجاهدین خلق، کومله، حزب دموکرات و چریک‌های فدایی خلق، تشکیل شد. کتاب‌های متعددی چاپ شده و دلیل این که بین مخاطب عام شناخته شده نیست، روایت سخت‌خوان و خشک تاریخی آن است. پرداختن به این اتفاقات در قالب داستان بیشتر مورد اقبال قرار می‌گیرد...»

دلیل انتخاب جایزه ادبی جلال آل احمد به کتاب عزرائیل: کهنه سرباز «... توجه به اسناد موجود از تاریخ معاصر است، زیرا زمینه‌های نوشتن در فضای هیجان‌انگیز در بستر امنیتی و تاریخی زیاد است اما کمتر در قالب داستانی خوشخوان به آن پرداخته شده است...» این گونه آثار مطمئناً در تصمیم‌گیری و پیش‌سیاسی مخاطب تأثیر می‌گذارد.

نیم‌ا کبر خانی با این تفکرو دیدگاه این مجموعه را با عنوان «عزرائیل: روزهای تاریک» چندی پیش منتشر کرد و شخصیت‌های جدیدی به دنیای داستان خود آورد. شخصیت‌هایی که در کنار قهرمانان جلد اول، نقش کلیدی بازی می‌کنند. این جلد در ایران و سوریه می‌گذرد.

درباره داستان

در جهان داستانی که نویسنده خلق کرده، دیالوگ‌ها حول محور تصویر و روایت می‌چرخد و مابین قصه، فرم یکنواختی ایجاد می‌کند و با هنرنمایی و ظرافت، مضمون هیجانی و جذاب را به‌دور از هر نوع شعارزدگی بازگو می‌کند. حرفی که با یک حرکت سریع و زدن چند مشت، مخاطب را گیج و منگ می‌کند و خواننده ناکاوت می‌شود. این گیجی از آنجا شکل می‌گیرد که نویسنده با یک لحن ساده و ادبیات خوب، همراه با هیجان، ذهن مخاطب را با دو داستان موازی درگیر می‌کند و شخصیت‌هایی با یک دنیای مستقل پدید می‌آورد. در جهان ذهنی شخصیت‌های رمان، دیگر قصه تریلر نداریم بلکه با جهانی پر از مبارزه و خصوصیات منحصر به هر انسانی مواجهیم که در برابر خشونت پیچیده در پیرنگ داستان، کنشگر هستند و از آن واکنش دریافت می‌کنند و این رابطه در کل داستان برقرار است.

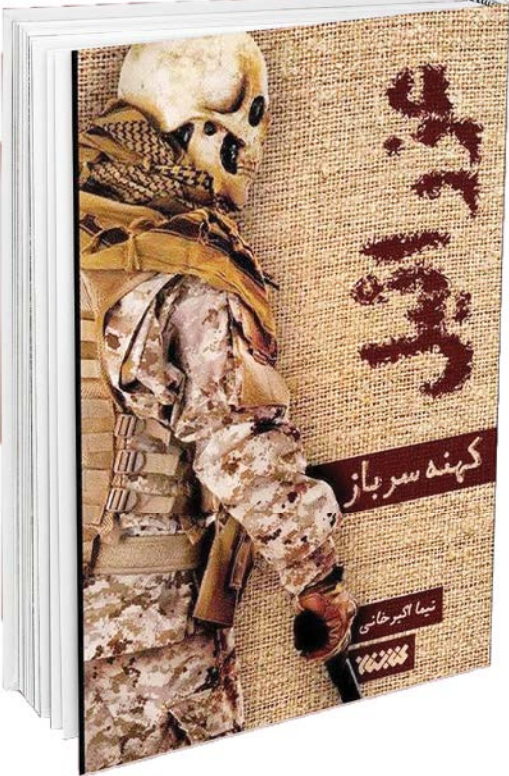
نویسنده، شخصیت‌هایی ساخته است که هر کدام به طریق خود با یک واقعیت واحد ارتباط برقرار می‌کنند. گرچه شاید بدیهی باشد

در پانزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد کتاب «عزرائیل: کهنه‌سرباز» از انتشارات کتابستان معرفت در بخش داستان بلند و رمان، شایسته تقدیر شناخته شد. رمانی که جلد نخست آن با عنوان کهنه‌سرباز در سال ۱۴۰۰ منتشر شد. عزرائیل، تریلری از ژانر جنایی است. تمرکز بر خلق هیجان، تعلیق و پیش‌داستانی همراه با لحظات نفسگیر تعقیب و گریز، اطلاعات دقیق همراه با واقع‌گرایی دشوار و محکم توأم با خشونت. رمانی که لایه‌های عمیق جنگ را بی‌پرده و عریان روایت می‌کند. لایه‌هایی از سیاست و امنیت که شاید در ظاهر جنگ و زد و خوردها دیده نشود و مخاطب با خواندن رمان آن را حس می‌کند. خواننده همراه با شخصیت اصلی داستان میخکوب شده و فضایی را نویسنده برای آن پدید می‌آورد که شاید هیچ وقت آن را امتحان نکرده یا در آن شرایط قرار نگرفته و نویسنده از این ابزار برای میخکوب کردن مخاطب بهره لازم را برده است.



امیر حسین دهقانی
نویسنده و کارگردان

نوشتن این رمان را تاریخ ۵۰، ۶۰ سال اخیر می‌داند و مشکلی برای دسترسی به منابع نداشته و از کتاب‌های تاریخی که برای عموم مردم قابل استفاده است، بهره برده است. نکته این که باید در یک قالب جذاب و خواندنی، این تاریخ را برای مردم بازخوانی مجدد کرد تا نسل امروز و آینده در یک سیر ضربه‌گذار و ریتمی جذاب با کشش و واکنش‌های پلیسی



محتوای کتاب عزرائیل: کهنه سرباز، با روایت مردی به نام حمیدرضا هداپتی شروع می‌شود که بازرس سازمان حفاظت ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. پرونده‌هایی که به او ارجاع می‌شود، قتل است و او برحسب وظیفه باید قاتل را دستگیر کند. ماجرای قتل یک گروه مواد مخدر در تهران و چند سرباز نیروی قدس سپاه در دوچه شروع می‌شود. در یکی از پرونده‌ها علی علیزاده یکی از زرمند‌های معروف و بنام دفاع مقدس است. قاتلی امروز که در پایش همه جا دیده می‌شود اما هیچ راهی برای اثبات آن و یافتن نیست. او باید این فرد را دستگیر کند اما به این جمع بندی می‌رسد که انگیزه این قتل ریشه در گذشته دارد. شروع به بازجویی و مصاحبه می‌کند از افرادی که قدیم با او دوستی داشتند از رفیق دوران کودکی تا رفیق دوران انقلاب و جبهه. در قالب این بازجویی‌ها مخاطب تاریخ را مطالعه می‌کند. شخصیت‌ها ساخته‌اند اما وقایعی که روایت می‌شود، صدصد مستند است.

داستان عزرائیل، کهنه سرباز، روایتی است از این دو بی‌آن‌که بخواهند درگیر مبارزه‌ای بزرگ می‌شوند که جغرافیایش تهران در شرق تا نیکونزای قبرس در غرب است. داستان عزرائیل با یک ماجرای هیجانی به ترکیه و شمال سوریه می‌رود. درد رمان عزرائیل، پیدا کردن قاتل و قاتلان احتمالی نیست. درد اصلی این رمان خیانت است؛ خیانتی که هیچ‌کس باورش نمی‌کند. نیمه اکبر خانی در رمانش با دقتی مثال‌زدنی از جزئیات این ماجرا برده می‌برد و با قلمی روان، دو داستان موازی را پیش می‌برد.

کهنه‌سرباز، گریزی به اتفاقات ۴۰ سال گذشته ایران هم می‌زند و داستان را به گروهک تروریستی منافقین و سال‌های جنگ می‌کشد. نویسنده به تاریخ معاصر علاقه داشته و بهانه

یادداشت

حسین سلطان‌محمدی | منتقد

بدیهیات اقتباس در دنیای تصویر!



متن برای هراتر تصویری، یک عنصر جداناپذیر است. هر اندازه متن نمایشی، بر بنیان قوی‌تری استوار شده باشد، می‌توان آن اثر را یک محصول قابل اکتا برای نمایش دادن و تماشا کردن، دانست. نوشتار که از حوزه ادبیات می‌آید، در آثار نمایشی با تخصصی آکادمیک همچون ادبیات نمایشی همراه شده است. ادبیاتی که خود، از محصولات نوشتاری چاپ شده، بهره گرفته، پرورده شده و برای تبدیل به یک اثر تصویری، در اختیار تیم تولید قرار داده شده است. در دنیای امروز، به خصوص در جهان تصویری غیرایرانی و عمدتاً غربی، بهره گرفتن از یک متن کاملاً استوار بر اصول ادبی، یک امر مرسوم است. در بسیاری از آثار سینمایی و البته در عمده آثار تلویزیونی، دیده‌ایم که based on the novel... در تیتراژ آغازین وجود دارد. یا خواننده‌ایم که در بسیاری از رویدادهای حادثه‌ای و سیاسی و مانند آن، بی‌درنگ نویسندگانی متکی بر اطلاعات و داده‌های موثق، کتاب نوشته و خیلی زود در چرخه‌ای هماهنگ، اثر برای تبدیل به محصولی نمایشی دستمایه قرار گرفته و امتیازش خریداری می‌شود.

در ایران خودمان، در محصولات سینمایی، تعداد آثار اقتباسی، کم است و حتی نتوانسته‌ایم یک جایزه در جشنواره فجر به صورت روتین به فیلمنامه اقتباسی، اختصاص دهیم. در آثار تلویزیونی هم این روال، که باید رایج‌تر باشد، کم دیده شده است. البته در محصولات تلویزیونی امتیاز اثر مکتوب برای اقتباس و تولید اثر نمایشی، ساده نیست. گاهی معنای اقتباس، نزد صاحب اثر مکتوب، با نگارندگان متن نمایشی، یکسان نیست و صاحب اثر می‌اندیشد که نباید تغییری، برای انطباق با شرایط تولید اثر نمایشی، در متن وی رخ دهد و اگر چنین شود، بی‌درنگ در رسانه‌ها، نکات معترضه‌ای را مطرح می‌کند. در صورتی که باید این چرخه را از سوی دیگری هم در نظر داشت که با نمایش مجموعه یا فیلم تصویری، صاحب اثر مکتوب، به رونق و تجدید چاپ اثر خود برسد و از آن سوی ماجرا، بهره اقتصادی و همچنین آشنایی مخاطبان بیشتر با قلم نویسنده متن اولیه حاصل شود. این روند، علاوه بر مخاطبان امروزی که بیشتر بر تجربه بینایی و دیدن تصویر اتکا دارند، باید بتواند حوزه ادبیات را هم تقویت کند. یعنی صاحب امتیاز نشر ادبی اثر، کتاب را بیشتر در جامعه توزیع کند، اما گاهی به خصوص در حوزه سینما، دیده‌ایم که فیلمی به نمایش در می‌آید و پیاپی اعلام می‌شود که از فلان کتاب اقتباس شده ولی وقتی به بازار نشر مراجعه می‌کنیم آن کتاب موجود نیست و آخرین چاپ اثر هم مربوط به سال‌های نه چندان نزدیک است. در چنین حالتی، مخاطب نمی‌تواند تشخیص دهد که چه بخشی از کار، خوب اقتباس شده، چه بخشی عیناً استفاده و چه بخشی تغییر کرده است و اصولاً نمی‌توان تطبیق یا تشخیصی میان قدرت متن ادبی و متن تصویری داد. این روزها، تولید چند مجموعه بر مبنای اقتباس از اثری ادبی، در جریان است. قضاوت درباره قوت و قدرت بنیان ادبیات نمایشی یا ادبیات دراماتیک آن و فیلمنامه برگرفته از متن نخستین، بعد از نمایش مجموعه، صورت خواهد گرفت. اما توصیه می‌کنم که برای ترویج امر اقتباس در تولید این مجموعه‌ها، حتماً بخش ادبی اولیه، به نحوی مقتضی همزمان با نمایش مجموعه، در اختیار مخاطبان قرار گیرد و به این ترتیب، هم قدرت تطبیق و تشخیص را افزایش داده‌ایم و هم کتاب و نوشته اولیه را معرفی کرده‌ایم و امر کتابخوانی را بی‌گرفته‌ایم و هم دیگر نویسندگان و ناشران را به صرفت ورود قوی و به موقع به این حوزه بیندازیم که کتاب بر مبنایی نوشته و منتشر شود که بتواند اثر تصویری را قوام بیشتری بخشد. البته اگر مقاومت مرسوم از سوی صاحبان متن ادبی و اصرار فیلمنامه‌نویسان بر تغییر بسیار در متن اولیه، شکسته شود و این مسیر، به صورت یک مسیر هموار برای هر دو حوزه ادبی و نمایشی آماده شود.